

مس و آلومینیوم در شرایط ویژه

کیوان پورشب

تحلیلگر بخش معدن

در میانه سال ۲۰۲۶ با نگاهی به آنچه اقتصاد جهان از اوایل ماه سوم زمستان تاکنون بر خود دیده و از سر گذرانده است، به واقع الگوهای رایج در تحلیل بازارها به‌ویژه در نوع رفتار خوانی بنیادین را با نوعی سردرگمی و نتایج متفاوت مواجه ساخته است که زمان‌بندی برای خوانش روایی تحلیل‌ها را با چالشی جدی همراه کرده است و سرعت تغییر داده‌های میدانی مشخصاً مناقشه ایران و آمریکا و رژیم سه‌په‌نی، صفحات تحلیل را مدام وادار به تغییرات لحظه‌ای و آبی می‌کند و نمی‌توان تلافی مدت‌دار را برای تحلیل‌ها قائل شد.

بیشتر چرخه‌های قیمت کالاها از یک الگوی آشنا پیروی می‌کنند: تقاضا افزایش می‌یابد، عرضه و کاهش نشان می‌دهد و قیمت‌ها تثبیت می‌شوند. آنچه به‌ویژه در ماه پایانی زمستان تاکنون رخ داده و در بازارهای مس و آلومینیوم به‌وقوع پیوسته و همچنان نیز ادامه دارد، از این الگو پیروی نمی‌کند. در عوض، دو نیروی ساختاری متفاوت به‌طور هم‌زمان عمل می‌کنند، در جهات مخالف حرکت می‌کنند و محیطی از بازار ایجاد می‌کنند که حتی تحلیلگران کهنه‌کار کامودیتی آن را از نظر تاریخی نادر توصیف می‌کنند. درک اینکه چرا قیمت مس و آلومینیوم بر اساس تقاضای جهانی و چشم‌انداز جنگ به این شکل رفتار می‌کنند، مستلزم نگاهی فراتر از نمودار قیمت روزانه و به سازوکارهای اساسی زنجیره‌های تأمین جهانی، نقاط حساس ژئوپلیتیک و نگاهی عمیق به تقاضای انحصاری بلندمدت است که از بخش تولید برق و هوش مصنوعی انتظار می‌رود. منطبق با رفتار بازار نشان می‌دهد که عدم قطعیت ژئوپلیتیک یاد به‌سرکوب فعالیت‌های تولیدی و اعتماد تجاری، قیمت فلزات صنعتی را کاهش دهد. با این حال، مس و آلومینیوم در میانه سال ۲۰۲۶ دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند؛ به‌طوری‌که افزایش قیمت آلومینیوم از ابتدای سال تاکنون در بورس فلزات لندن از ۲۵ درصد فراتر رفته و مس از استانه‌روانی قابل توجه ۱۴۰۰ دلار در هر تن عبور کرد. دلیل اینکه این تناقض آشکار خود به خود حل می‌شود این است که درگیری فعلی صرفاً باعث ایجاد عدم قطعیت در تقاضای مس می‌شود.

این درگیری به‌طور فعال عرضه را از بین می‌برد، جنگ خاورمیانه، پویایی حمل‌ونقل از طریق تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی استراتژیک جهان برای جریان کالاهای صنعتی را اساساً تغییر داده است. وقتی عرضه سریع‌تر از تقاضا کاهش می‌یابد، قیمت‌ها صرف نظر از پس‌زمینه عدم قطعیت افزایش می‌یابند.

طبق آخرین گزارش بلومبرگ از بازار کامودیتی، آلومینیوم به‌دلیل شرایط سخت‌تر بازار جهانی، به‌بالاترین سطح خود در چهار سال گذشته رسیده است. علاوه بر این، اختلاف قیمت نقدی به آبی آلومینیوم در اوج خود به ۱۶۵ دلار در هر تن رسید و سپس به ۹۸۰ دلار در هر تن رسید که نشان‌دهنده وسیع‌ترین اختلاف قیمت از سال ۲۰۰۷ است. این اختلاف قیمت تنها از موقعیت‌یابی‌های سه‌گانه‌ای ناشی نمی‌شود. این نشان‌دهنده اختلاف قیمت فیزیکی واقعی و فوری است؛ جایی که خریدار به جای انتظار برای تحویل سه‌ماهه، اختلاف قیمت قابل توجهی را برای دریافت بار در حال حاضر پرداخت می‌کند. تنگه هرمز قاعدتاً اولین مکانی نیست که هنگام بحث در مورد مخزنیابی تولید آلومینیوم خواهد به ذهن حضور کند. با این حال، انسداد آن یکی از مختل‌کننده‌ترین رویدادهای عرضه‌ای بوده است که بازار آلومینیوم از دهه‌های اخیر تجربه کرده است. قبل از تشدید درگیری‌های فعلی، خاورمیانه در مجموع تقریباً ۱۰ درصد از تولید جهانی آلومینیوم را به خود اختصاص می‌داد. عملیات‌های ذوب عمده در منطقه خلیج فارس، که به‌ویژه در امارات متحده عربی و بحرین، سهم قابل توجهی در عرضه فیزیکی جهانی داشتند. این عملیات‌ها از نظر طراحی، انرژی و هستند و برای تأمین انرژی فراوانی که کاهش الکترونیکی که آلومینا را به آلومینیوم اولیه تبدیل می‌کند، به خوراک گاز طبیعی ارزان قیمت متکی هستند. اختلاف در حمل‌ونقل دریایی هرمز یک اثر مرکب ایجاد کرده است. علاوه بر این، پیامدهای گسترده‌تر برای تقاضای فولاد و آلومینیوم در سراسر قطب‌های تولیدی آسیا به‌طور فزاینده‌ای در حال آشکار شدن است:

صادرات فیزیکی آلومینیوم از کارخانه‌های ذوب منطقه‌ای قادر به رسیدن به خریداران آسیایی و اروپایی با حجم معمول نیستند. واردات مواد اولیه آلومینا مورد نیاز برخی از کارخانه‌های ذوب منطقه‌ای با تأخیر مواجه شده و تداوم تولید را تهدید می‌کند.

محدودیت بازار نقدی در حال افزایش است؛ زیرا مسیرهای تأمین جایگزین زمان تحویل طولانی‌تر و هزینه‌های حمل‌ونقل بالاتری دارند. تولیدکنندگان پایین‌دستی در اروپا و آسیا به شدت برای نتایج نقدی موجود رقابت می‌کنند و حق بیمه نقدی را به بالاترین حد خود در چند دهه گذشته رسانده‌اند.

بازارهای آبی در شرایط مورد انتظار قیمت‌گذاری می‌شوند. هنگامی که خریداران فیزیکی به‌طور مداوم قیمت‌های آبی را افزایش می‌دهند، نشان می‌دهد که کمبود واقعی است، نه پیش‌بینی شده. از تطابق مس با درگیری‌های خاورمیانه کمتر از آلومینیوم مستقیم است؛ اما مسلما در میان مدت‌انظر اهمیت بیشتری دارد. این مکانیسم از طریق اسید سولفوریک، یک واکنشگر فرآوری حیاتی که به‌طور گسترده در استخراج هیدرومتالورژی مس، به‌ویژه در عملیات استخراج باحلال (SX-EW) استفاده می‌شود، مهم است. روش فرآوری الکترونیکی غالب برای سنگ معدن مس آکسیدی و عملیات لیچینگ هیپ در سراسر آمریکای لاتین، آفریقا و بخش‌هایی از آسیا است. برخلاف کنسانتره‌های سولفیدی که از طریق ذوب فرآوری می‌شوند، سرب‌های مس آکسیدی قبل از استخراج با اسید سولفوریک برای حل کردن مس معدنی مس می‌شوند. این به آن معنای است که اسید سولفوریک برای این عملیات‌ها اختیاری نیست، به‌اندازه سوخت دیزل برای یک معدن معمولی حیاتی است. بخش قابل توجهی از تجارت جهانی اسید سولفوریک از خاورمیانه سرچشمه می‌گیرد یا از طریق آن ترانزیت می‌شود؛ جایی که به‌عنوان محصول جانبی الایش نفت و فرآوری پتروشیمی تولید می‌شود.

گلدن مسکس پیش‌بینی قیمت مس پایان سال خود را بیش از ۱۰ درصد افزایش داد. برای یک بانک سرمایه‌گذاری بزرگ، تجدیدنظر در پیش‌بینی کالایی کوتاه‌مدت یا این حاشیه سود غیرمعمول است و نشان‌دهنده تغییر معناداری در اعتقاد به محدودیت‌های طرف عرضه است. ارزیابی سنتی گروه از آلومینیوم مسلما حتی قابل توجه‌تر است. دویچه بانک پیش‌بینی میانگین قیمت آلومینیوم در سال ۲۰۲۶ را تقریباً ۲۹۲۵ دلار در هر تن اعلام کرده است، در حالی که بانک جهانی، محدودیت ساختاری عرضه معدن مس را به‌عنوان عاملی که قادر به حفظ قیمت‌های بالاتری در صورت تعدیل رشد تقاضا است، برجسته کرده است.

با یک کاتالیزور کوتاه‌مدت روبرو، واوست که آلومینیوم با آن مواجه نیست، یک تصمیم رسمی تعرفه‌ای از سوی دولت ترامپ که می‌تواند اساساً جریان تجارت جهانی مس را تغییر جهت دهد. تأثیر تعرفه مس ایالات متحده بر اختلاف قیمت بین بازارهای داخلی و بین‌المللی، در حال حاضر در موقعیت‌یابی معاملات آبی کوتاه‌مدت قیمت‌گذاری مهم خواهد بود.

چالش‌های حقوق دولتی معادن در سال ۱۴۰۵ را بررسی کرد:

معادله دشوار دولت و معادن



سه ماه از سال ۱۴۰۵ گذشته و حقوق دولتی معادن همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در بخش معدن کشور است. فعالان این حوزه معتقدند در شرایطی که هزینه‌های تولید، حمل‌ونقل، انرژی و تأمین تجهیزات افزایش یافته، نحوه محاسبه حقوق دولتی باید متناسب با واقعیت‌های اقتصادی معادن تعیین شود تا فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد نشود.

کارشناسان بر این باورند که توسعه بخش معدن و جذب سرمایه‌گذاری نیازمند ایجاد تعادل میان درآمدهای دولتی و توان اقتصادی بهره‌برداران است. در مقابل، دولت نیز حقوق دولتی را ابزاری برای بهره‌برداری اصولی از ذخایر معدنی و تأمین بخشی از منابع مالی کشور می‌داند.

در چنین شرایطی، بازنگری در شیوه تعیین حقوق دولتی و توجه به شرایط واقعی معادن می‌تواند نقش مهمی در حفظ تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار بخش معدن ایفا کند. در همین راستا، **معدن** در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه معدن، ابعاد مختلف این موضوع را بررسی کرده است.



گروه معدن

editor@smtnews.ir

لزوم بازنگری در شیوه محاسبه

بهرام شاه‌ویسی در ابتدای این گفت‌وگو با اشاره به جایگاه حقوق دولتی در اقتصاد معدن گفت: حقوق دولتی یکی از مهم‌ترین ابزارهای حاکمیتی در بخش معدن محسوب می‌شود و در همه کشورهای دارای منابع معدنی دریافت می‌شود. فلسفه اصلی این پرداخت‌ها آن است که ذخایر معدنی متعلق به عموم مردم هستند و بهره‌برداران در ازای برداشت و استفاده از این منابع، مبلغی را به دولت پرداخت می‌کنند.

وی افزود: اصل دریافت حقوق دولتی موضوعی پذیرفته‌شده است، اما آنچه اهمیت دارد نحوه محاسبه، میزان دریافت و چگونگی هزینه‌کرد این منابع است. اگر حقوق دولتی به شکلی تعیین شود که توان سرمایه‌گذاری معادن را کاهش دهد، در بلندمدت می‌تواند به اشتغال آسیب معادن زد.

شاه‌ویسی دربارۀ وضعیت فعلی حقوق دولتی کشور گفت: بخش معدن در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی از جمله افزایش هزینه‌های استخراج، رشد قیمت ماشین‌آلات، محدودیت‌های وارداتی، کمبود نقدینگی و مشکلات زیرساختی مواجه بوده است. در چنین شرایطی هرگونه افزایش قابل توجه حقوق دولتی باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های اقتصادی معادن انجام شود.

وی ادامه داد: بسیاری از معادن کوچک و متوسط کشور حاشیه سود محدودی دارند و فشار هزینه‌های مختلف باعث شده بخشی از آنها با ظرفیت پایین فعالیت کنند. اگر سیاست‌گذاری‌ها بدون توجه به شرایط واقعی این واحدها انجام شود، احتمال کاهش تولید یا حتی تعطیلی برخی معادن وجود خواهد داشت.

این کارشناس معدن با اشاره به اهمیت اصلاح سازوکار محاسبه حقوق دولتی گفت: یکی از مطالبات فعالان معدنی، حرکت به سمت فرمول‌های شفاف و قابل پیش‌بینی است. سرمایه‌گذار باید بتواند چشم‌انداز روشنی از هزینه‌های آینده خود داشته باشد تا برای توسعه معدن برنامه‌ریزی کند.

وی افزود: حقوق دولتی باید متناسب با شرایط بازار، قیمت جهانی مواد معدنی، میزان سودآوری و وضعیت هر معدن تعیین شود. نمی‌توان برای همه معادن یک نسخه واحد پیچید. شرایط یک معدن بزرگ سنگ‌آهن با یک معدن کوچک سرب، روی یا مس کاملاً متفاوت است.

شاه‌ویسی تصریح کرد: در بسیاری از کشورهای معدنی، نظام

حقوق دولتی معادن: از درآمدزایی تا توسعه پایدار

عبد هاشمی‌زاده، کارشناس حوزه معدن، در گفت‌وگو با **معدن** با اشاره به جایگاه حقوق دولتی در اقتصاد معدن گفت: حقوق دولتی یکی از مهم‌ترین ابزارهای حاکمیتی برای مدیریت و بهره‌برداری از منابع معدنی کشور است. معادن کوچک و متوسط با اشاره به نحوه محاسبه می‌شوند و طبیعی است که دولت به‌عنوان نماینده حاکمیت سهمی از برداشت و بهره‌برداری از این ذخایر دریافت کند. اما مسئله مهم آن است که نحوه تعیین و وصول این حقوق باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ منافع عمومی، به تداوم فعالیت‌های معدنی نیز آسیب وارد نکند. وی افزود: در سال‌های اخیر حقوق دولتی معادن به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان معدنی تبدیل شده است. بسیاری از بهره‌برداران معتقدند رشد هزینه‌های تولید، افزایش نرخ ماشین‌آلات، هزینه‌های انرژی، دستمزد و حمل‌ونقل فشار زیادی بر معادن وارد کرده و در چنین شرایطی افزایش حقوق دولتی می‌تواند توهان اقتصادی بخشی از معادن را کاهش دهد.

هاشمی‌زاده درباره شرایط سال ۱۴۰۵ اظهار کرد: به نظر می‌رسد سیاست‌گذار در سال آینده نیز نگاه ویژه‌ای به درآمدهای معدنی داشته باشد. با توجه به محدودیت منابع بودجه‌ای، بخشی از درآمدهای دولت از محل حقوق دولتی تأمین خواهد شد. اما باید توجه داشت که معادن با سایر منابع درآمدی تفاوت دارد. اگر فشار بیش از حد بر تولیدکننده وارد شود، در نهایت میزان استخراج کاهش یافته و درآمد دولت نیز افت خواهد کرد. این کارشناس معدن ادامه داد: یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که طی سال‌های اخیر مطرح شده، فاصله میان هاشمی‌زاده اقتصادی و واقعیت‌های اقتصادی معادن است. همه معادن شرایط یکسانی ندارند. برخی معادن در مناطق محروم و دورافتاده فعالیت می‌کنند، برخی دارای عیار پایین هستند و برخی دیگر با مشکلات زیرساختی جدی مواجه‌اند. وی گفت: اگر حقوق دولتی صرفاً بر اساس حجم استخراج تعیین شود و عوامل مؤثر بر هزینه تولید نادیده گرفته شود، نتیجه آن کاهش سرمایه‌گذاری و حتی تعطیلی بخشی از معادن کوچک و متوسط خواهد بود. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان معتقدند باید نظامی شفاف‌تر و هوشمند برای محاسبه حقوق دولتی طراحی شود.

هاشمی‌زاده افزود: توسعه پایدار معدن بدون سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها امکان‌پذیر نیست. بسیاری از ذخایر معدنی کشور به دلیل کمبود راه، برق، آب یا زیرساخت‌های حمل‌ونقل هنوز قابلیت بهره‌برداری اقتصادی پیدا نکرده‌اند. وی درباره اثر حقوق دولتی بر جذب سرمایه‌گذاری گفت: سرمایه‌گذاران پیش از ورود به هر پروژه معدنی، مجموعه‌ای از شاخص‌ها را بررسی می‌کنند. ثبات قوانین، نرخ بازگشت سرمایه، هزینه‌های عملیاتی و میزان عوارض و حقوق دولتی از مهم‌ترین این شاخص‌ها هستند.

هاشمی‌زاده تصریح کرد: هرچه فضای تصمیم‌گیری قابل پیش‌بینی‌تر باشد، سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذار باید بداند در یک افق ۱۰ یا ۱۵ ساله با چه هزینه‌هایی مواجه خواهد بود. تغییرات ناگهانی در نرخ‌ها می‌تواند ریسک پروژه‌ها را افزایش دهد.

وی ادامه داد: امروز رقابت جهانی برای جذب سرمایه در بخش معدن بسیار جدی است. کشورهایی که قوانین پایدارتر و مشوق‌های بیشتری ارائه می‌کنند، موفق‌تر عمل می‌کنند. ایران نیز با توجه به ظرفیت‌های عظیم معدنی خود باید از این منظر مورد توجه قرار گیرد.

■ نگاه بلندمدت به درآمدهای معدنی
این کارشناس معدن گفت: حقوق دولتی نباید صرفاً به عنوان یک منبع درآمد

حقوق دولتی معادن همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی منافع دولت و بخش خصوصی به شمار می‌رود. در شرایطی که بخش معدن برای توسعه، جذب سرمایه و افزایش تولید به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد، تعیین منطقی و کارشناسی این حقوق می‌تواند نقش مهمی در حفظ انگیزه سرمایه‌گذاری ایفا کند. کارشناسان بر این باورند که موفقیت سیاست‌های معدنی در گرو ایجاد تعادل میان درآمدهای حاکمیتی و توان اقتصادی بهره‌برداران است. هرچه سازوکار محاسبه حقوق دولتی شفاف‌تر، منعطف‌تر و متناسب با شرایط واقعی معادن باشد، زمینه برای رشد تولید، توسعه اکتشافات و افزایش اشتغال نیز فراهم‌تر خواهد شد. در نهایت، بخش معدن زمانی می‌تواند نقش پررنگ‌تری در اقتصاد کشور ایفا کند که نگاه درآمدمدتی جای خود را به رویکردی توسعه‌محور و بلندمدت بدهد؛ رویکردی که هم منافع عمومی را تأمین کند و هم مسیر سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری پایدار از ذخایر معدنی را هموار سازد.

حقوق دولتی معادن همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی منافع دولت و بخش خصوصی به شمار می‌رود. در شرایطی که بخش معدن برای توسعه، جذب سرمایه و افزایش تولید به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد، تعیین منطقی و کارشناسی این حقوق می‌تواند نقش مهمی در حفظ انگیزه سرمایه‌گذاری ایفا کند. کارشناسان بر این باورند که موفقیت سیاست‌های معدنی در گرو ایجاد تعادل میان درآمدهای حاکمیتی و توان اقتصادی بهره‌برداران است. هرچه سازوکار محاسبه حقوق دولتی شفاف‌تر، منعطف‌تر و متناسب با شرایط واقعی معادن باشد، زمینه برای رشد تولید، توسعه اکتشافات و افزایش اشتغال نیز فراهم‌تر خواهد شد. در نهایت، بخش معدن زمانی می‌تواند نقش پررنگ‌تری در اقتصاد کشور ایفا کند که نگاه درآمدمدتی جای خود را به رویکردی توسعه‌محور و بلندمدت بدهد؛ رویکردی که هم منافع عمومی را تأمین کند و هم مسیر سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری پایدار از ذخایر معدنی را هموار سازد.



معنی بازگرد.

شاه‌ویسی افزود: توسعه جاده‌های معدنی، تأمین برق، آب، خطوط ریلی و زیرساخت‌های فرآوری نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر است. اگر بخشی از حقوق دولتی به این حوزه‌ها اختصاص یابد، بهره‌وری معادن افزایش پیدا می‌کند و هم امکان توسعه سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود. وی ادامه داد: مناطق معدنی معمولاً با مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی نیز مواجه هستند. بخشی از درآمدهای حاصل از فعالیت‌های معدنی می‌تواند برای توسعه این مناطق و بهبود خدمات عمومی هزینه شود

■ چشم‌انداز حقوق دولتی در سال ۱۴۰۵

این کارشناس معدن درباره پیش‌بینی وضعیت حقوق دولتی در سال ۱۴۰۵ اظهار کرد: به نظر می‌رسد دولت همچنان نگاه درآمدمدتی به بخش معدن خواهد داشت، اما ضروری است میان درآمدزایی و توسعه پایدار توازن برقرار شود. اگر هدف افزایش تولید، رشد صادرات و توسعه زنجیره ارزش باشد، باید سیاست‌های مالی نیز در همین مسیر تنظیم شوند. معدن زمانی می‌تواند درآمد بیشتری برای دولت ایجاد کند که تولید آن افزایش یابد و سرمایه‌گذاری در آن تداوم داشته باشد.

شاه‌ویسی افزود: تجربه جهانی نشان می‌دهد موفق‌ترین کشورهای در حوزه معدن، کشورهایی هستند که توانسته‌اند میان منافع دولت و منافع سرمایه‌گذار تعادل ایجاد کنند. فشار بیش از حد بر تولیدکننده در نهایت به کاهش تولید و کاهش درآمدهای آینده منجر خواهد شد.

وی در پایان اظهار کرد: سال ۱۴۰۵ می‌تواند سالی مهم برای بخش معدن باشد. اگر سیاست‌گذاری حقوق دولتی با رویکرد توسعه‌محور، شفاف و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی انجام شود، این بخش ظرفیت آن را دارد که نقش پررنگ‌تری در رشد اقتصادی کشور ایفا کند. معادن ایران از ذخایر ارزشمند و ظرفیت‌های فراوانی برخوردارند و بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت‌ها نیازمند تصمیماتی است که هم منافع عمومی را تأمین کند و هم مسیر سرمایه‌گذاری و تولید را هموار نگه دارد.



کوتاهمدت دیده شود. نگاه بلندمدت

ایجاب می‌کند که دولت به رشد تولید، افزایش ذخایر قابل استخراج و توسعه سرمایه‌گذاری توجه ویژه داشته باشد. وی افزود: اگر تولید معدنی افزایش پیدا کند، درآمد دولت نیز در بلندمدت رشد خواهد کرد. اما اگر سیاست‌ها باعث

کاهش سرمایه‌گذاری و افت تولید شود، نه تنها بخش معدن آسیب می‌بیند بلکه درآمدهای دولت نیز کاهش خواهد یافت. هاشمی‌زاده تأکید کرد: هنر سیاست‌گذاری آن است که میان منافع حاکمیت و توان اقتصادی بهره‌برداران تعادل برقرار شود. این تعادل می‌تواند به رشد پایدار معدنکاری و افزایش سهم معدن در اقتصاد کشور منجر شود. وی در ادامه گفت: یکی از موضوعات مهم، شفافیت در نحوه محاسبه حقوق دولتی است. معدنکاران باید بدانند بر چه اساسی ارقام تعیین می‌شود و چه شاخص‌هایی در این محاسبات نقش دارند. هرچه فرآیندها شفاف‌تر باشد، اختلافات و چالش‌ها نیز کاهش پیدا می‌کند.

استفاده از سامانه‌های هوشمند، داده‌های واقعی تولید و مکانیزم‌های مشخص می‌تواند به افزایش اعتماد میان دولت و بخش خصوصی کمک کند.

■ آینده حقوق دولتی در سال ۱۴۰۵

این کارشناس حوزه معدن در پایان اظهار کرد: سال ۱۴۰۵ می‌تواند سالی مهم برای سیاست‌گذاری معدنی کشور باشد. اگر اصلاحات لازم در نظام محاسبه حقوق دولتی انجام شود و نگاه توسعه‌محور بر تصمیم‌گیری حاکم باشد، می‌توان انتظار داشت بخش معدن نقش پررنگ‌تری در رشد اقتصادی ایفا کند. معادن ایران ظرفیت‌های کم‌نظیری دارند، اما بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها نیازمند سیاست‌های پایدار، حمایت از سرمایه‌گذاری و تعیین منطقی حقوق دولتی است. هرچه تعادل بیشتری میان درآمدهای حاکمیتی و توان تولیدکنندگان برقرار شود، مسیر توسعه معدنکاری نیز هموارتر خواهد شد.

در نهایت، موفقیت بخش معدن در گرو آن است که حقوق دولتی نه به‌عنوان یک ابزار فشار، بلکه به‌عنوان بخشی از یک نظام توسعه‌گرا و پایدار مورد توجه قرار گیرد.

سخن پایانی

حقوق دولتی معادن همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی منافع دولت و بخش خصوصی به شمار می‌رود. در شرایطی که بخش معدن برای توسعه، جذب سرمایه و افزایش تولید به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد، تعیین منطقی و کارشناسی این حقوق می‌تواند نقش مهمی در حفظ انگیزه سرمایه‌گذاری ایفا کند. کارشناسان بر این باورند که موفقیت سیاست‌های معدنی در گرو ایجاد تعادل میان درآمدهای حاکمیتی و توان اقتصادی بهره‌برداران است. هرچه سازوکار محاسبه حقوق دولتی شفاف‌تر، منعطف‌تر و متناسب با شرایط واقعی معادن باشد، زمینه برای رشد تولید، توسعه اکتشافات و افزایش اشتغال نیز فراهم‌تر خواهد شد. در نهایت، بخش معدن زمانی می‌تواند نقش پررنگ‌تری در اقتصاد کشور ایفا کند که نگاه درآمدمدتی جای خود را به رویکردی توسعه‌محور و بلندمدت بدهد؛ رویکردی که هم منافع عمومی را تأمین کند و هم مسیر سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری پایدار از ذخایر معدنی را هموار سازد.